

خطر جنگ نومحافظه کاران آمریکائی علیه ایران و چگونگی دورنمای ثبات.

مصاحبه مجله "دویچه میلیتر سایتوگ" (د.م.س.) شماره آوریل 2008 با پرفسور محسن مسرت. به ترجمه احمد احقری.

توضیح: پس از انتشار مصاحبه در مجله د.م.س. با تذکر دوستان از موضع واقعی اجتماعی این مجله با اطلاع گردیدیم. بدین روال د.م.س. بر خلاف آنچه که مدیر هیئت تحریریه آن گفته مدعی بود یک مجله راست محافظه کار نیست بلکه یک مجله راست افراطی است. طبیعی است که در صورت اطلاع اینجانب از خط سیاسی آن قطعا از انجام مصاحبه خود داری میگردم. اما اکنون که اصل آمانی مصاحبه انتشار یافته و همزمان نیز ترجمه آن آماده شده بود و اینجانب امواره با کلیه مفاد آن توافق کامل دارم با توجه به اهمیت پیامهای محتوی آن متن مصاحبه را در اختیار علاقه مندان قرار دهم.

د.م.س.: آقای پروفیسور مسرت، ویلیام فالون، فرمانده ارشد نظامی ایالات متحده در خپلور نزدیک، تنها پیس از بیگ سال به طرز غیرمترقبه ای از سمت خود استعفاء داد. ظاهرا علت اقدام او، سیاست ایالات متحده آمریکا در قبال ایران است. در یاسالار فالون با تکلیفد بپر اهمیت دیپلماسی، دولت و اشینگنکن را بیا این عنوان که "تفسیرهای جنگ طلبانه عموما کمک ویژه ای به حل مشکل نمی کنند"، معورد نکپوهش قیرار داد. این اقدام بیگ مقولم بلنود پلیه ارتش ایالات متحده را چگونه می توان ارزیابی کرد؟

مسرت: صادقانه باید گفت که این نشانه بدی است، چرا که بدون اهداف واقعی جنگ طلبانه ایالات متحده آمریکا چنین اقدامی بی معناست.

د.م.س.: معتقد هستید که جنگی بر علیه ایران واقع بینانه باشد؟

مسرت: بسیاری، از جمله خود من، پس از انتشار گزارش مشترک 16 سازمان اطلاعاتی و امنیتی آمریکا در نوامبر سال قبل، که بر اساس آن هرگونه دلیلی برای جنگ را از جنگ دولت آمریکا رپورده بود، نفس راحتی کشیدند. با این وجود اسرائیل فوراً شک خود را به آن ابراز نمود. بوش و چنی ماه ها سکوت اختیار کردند، آشکارا به فراموشکاری مردم تکیه زدند ولی اکنون باز با صدای بلند بر طبل جنگ می کوبند. با مادامیکه این ها بپر مقدرات آمریکا حکمنود، جنگ با ایران را نمی توان منتفی دانست. این موضوع به اعتقاد من برای ریاست جمهوری مک کین هم صولق است. حد معقولی از هشدار و آماده باش ضروری است، تا اگر قرار است جنگی بشود، بتوان به موقع از آن جلوگیری کرد. علاوه بر نقشه های قهریمی نومحافظه کاران که مهی خواهند تعویض حکومت ایران را هم از طریق جنگ به تحول برسانند، دلیل تازه ای نیز در زمینه سیسوت دلخوی به آن اضافه شده است، منظورم بواراک اوباما است. تصور کنید اسرائیل به مناسبت پرتاب اولین سفینه ایران به فضا در تابستان آینده، با شعار مردم پسند "دیگر صبر کافی است" ابتدا به تنهایی به بمباران تجهیزات اتمی، موشکی و سولیت هوی پرتوب موشک بپردازد و دولت ایران با ضرریت متقابل واکنش نشان دهد. آن وقت است که بوش و چنی با طرح اینکوه آمریکا نبلیود متحود خود را تنها بگنارد به سهیم خود وارد کارزار شوند. نومحافظه کاران به این ترتیب نه تنها به آرزوی دیرینه خود دست مهی پلنود، بلکه همزمان با این هدف موفق میشوند با ایجاد جو جنگ علیه ایران و تحیح احساسات ناسیونالیستی از موفقیت باراک اوباما ضود جنگ هم جلوگیری کنند.

د.م.س.: بهانه اصلی کشیمکش ایران و آمریکا برنامه اتمی ایران و همچنین تغییرات ضداسرائیلی رئیس جمهور ایران محمود احمدی نژاد است. به نظر شما دو عامل نامبرده تجهیز کلامی و نظامی علیه ایران را توجیه می کند؟

مسرت: به اعتقاد من، خیلی سخت. بیش از هر چیز به نظر می رسد این ها بهانه ای هستند برای راه اندازی جنگی تازه در خاورمیانه. به عنوان مثال سلاح های هسته ای پاکستان، که در حال حاضر موجودند، با گشاده رویی از سوی ایالات متحده پذیرفته شده اند در حالیکه این سلاح ها برخلاف برنامه اتمی ایران هم اکنون خطری جدی برای منطقه می باشند. دلیل تدارک جنگ علیه ایران در حقیقت قبل از هر چیز آرزوی نومحافظه کاران ایالات متحده آمریکا برای تعویض رژیم ایران است، تا از این راه "مخل نظم و آرامش" را از منطقه بزایند.

د.م.س.: شما به زرادخانه سلاح های اتمی پاکستان اشاره کردید، که البته هنوز در دست متحد آمریکا، پرویز مشرف می باشد. کشور تحت تاثیر نا آرامیهای داخلی میباشد. آیا احتمال این خطر وجود دارد که تسلیحات هسته ای پاکستان به دست نیروهای بیفتد که کمتر می توان به آنها اعتماد نمود؟

مسرت: به هیچ وجه نمی توان این مورد را از مد نظر دور نمود، چون مشخصا در دستگاه نظامی پاکستان نیروهای رادیکال اسلامی نفوذ دارند.

د.م.س.: شما معتقدید که ایران خطری برای منطقه خاور میانه و نزدیک و نیز "دنیای غرب" می باشد؟

مسرت: ایران در حال حاضر تنها قدرت باقی مانده در منطقه است که به ساز آمریکا نمی رقصد. این کشور با مسوالمح سلطه جویانه آمریکایی ها برای کنترل کامل منابع زیرزمینی و راه های انتقال نفت و گاز به قصه تقوای جهان مقابل می کند. ایران حتا در موقعیتی است که قادر است در اتحاد با تعدادی از کشورهای دیگر نفت خیز در منطقه، نقش دلار را به عنوان ارز معاملات نفتی با خطرات جدی مواجهه سازد. البته جایز نیست به خطر افتادن منافع سلطه جویانه آمریکا را با به خطر افتادن منافع دنیای غرب یکی دانست! به عنوان مثال ارزش تجاری نفتی دیگری مانند پترو دولر است در کنار دلار نقش ثبات دهنده ای برای اقتصاد جهانی داشته باشد، حتا برای اقتصاد معیوب ایالات متحده، چرا که اقتصاد ملی آمریکا تنها به لطف دلار به عنوان ارز راهبر، توانسته به رحمت ثمرات اقتصاد ملی دیگر کشورهای از راستای وام عملا بلاعوض خود را سرپا نگهدارد. از این رو نفع جامعه بین المللی ایجاب می کند که اقتصاد ملی ایالات متحده به جای مقروض شدن مستمر و افت ارزش دلار، از طریق توانمندی های خود رونق داشته بشود. شاید وقتی باراک اوباما از "تغییر" حرف می زند و سعی می کند با شعار "ما می توانیم از پس آن بربیایم"، آمریکاییها را امیدوار کند، همین منظور را داشته باشد.

د. م. س.: از دید شما چه نظر دقیقی می توان درباره برنامه اتمی ایران داشت؟

مسرت: ایران یک قدرت متوسط منطقه ای است و با توجه به ظرفیت ضربه اولیه هسته ای اسرائیل، در یک تنگنای امنیتی جدی به سر می برد. این مشکل هیچ ربطی به رژیم کنونی ایران ندارد و هر دولت دیگری در ایران نیز بایستی با این مسئله دست و پنجه نرم کند. در اصول برای ایران تنها دو راه وجود دارد: اول تدارک یک برنامه هسته ای به منظور ایجاد ظرفیت ضربات ثانویه هسته ای و یا اقدام برای ایجاد یک منطقه خلی از تسلیحات اتمی، که این البته شامل سلاح های هسته ای اسرائیلی نیز خواهد بود. دولت ایران آشکارا راه نخست را برگزیده است و همگان راهی را می رود که اسرائیل بدون مزاحمت و مشکلی، و بدون توجه به قرارداد NPT، این یک مهت قریب چهل سال است که در آن گام بر می دارد. البته نباید این نکته بسیار مهم را از مد نظر دور داشت که

الف - ایران بعنوان واکنش به همان کاری دست می زند که اسرائیل مشغول به آن است و ب- برخلاف اسرائیل دستکم در ظاهر کوشش دارد اقدامات خود را با NPT همسو کند .

البته ایران بدینوسیله در وضع پارادوکسی قرار میگیرد زیرا بجای دلائل امنیتی که پیشتر مورد قبول دنیاست برای توجیح برنامه اتمی خود به دلائل غیرنظامی متوصل میشود.

د. م. س.: به چه دلیل این پارادوکس است ؟

مسرت: از دیدگاه من جمهوری اسلامی در این راستا حرکت میکند که در نهایت مهر، بدون نقض NPT توانایی در ساخت بمب اتم را بدست آورد. پنهان کردن مقاصد نظامی در پس پرده استفاده صلح آمیز از انرژی اتمی اساسا امکان پذیر است. مشکل این است که هیچکس در جهان نیوز ضروری ایران به انرژی اتمی را باور ندارد. ایران از منابع سرشار انرژی فسیلی بهره مند است و این امکان را دارد که نیوز فزاینده خود به انرژی را از راه کولبردین آوری های مربوط به انرژی های بازمانده برطرف نماید. به این ترتیب این سوء ظن که ایران از برنامه هسته ای خود اهداف دیگری را دنبال می کند، به سختی برطرف می شود. اگر ایران مشوکل تنگنای امنیتی خود را طرح می کرد، افکار عمومی جهان این موضوع را بهتر درک می کردند و امکان آن میسر می شد که این مبحث را در سطح دیگری به پیش برد. خسارات وارده نقض NPT به مراتب کم تر از خسارات کنونی خواهد بود، که ایران به دلیل غیرقابل باور بودن ادله اش برای پیگیری برنامه اتمی خویش تقبل میکند.

د. م. س.: آیا حمله نظامی به ایران هم مانند حملات سابق به افغانستان و عراق خواهند بود؟

مسرت: نقشه هایی با جزئیات در واشنگتن موجودند که به ایران از طریق هوایی حمله شود. موضوع پیر سهر این است که از ایران امکان ضربات واکنشی سلب شود. از محافل نزدیک به پنتاگون آشکار شده که بدین منظور پیش از 2000 هدف تخریبی در سراسر ایران تعیین شده اند.

د. م. س.: اهداف نظامی؟

مسرت: نه فقط. حملات می بایستی نه تنها ایران را از یک قدرت متوسط در منطقه، بلکه به عنوان یک دولت توانمند ساقط کند. این طرح شامل حمله به فرودگاه ها، راه ها، نیروگاه ها و تصفیه خانه های آب نیز میشود. در چنین طرحی خسارات باصتلاح جنبی یعنی قتل مردمان بیگناه نیز آگاهانه در برنامه ریزی و محاسبات نظامی قرار داده شده اند.

د. م. س.: این با استراتژی آمریکایی ها در عراق بی شباهت نیست. آیا ارتش ایران هم به همان سرعت ارتش عراق فرو می ریزد؟

مسرت: من در این باورم که ارتش ایران در موقعیتی است که بتواند برای مهاجمین مشکلات اساسی ایجاد کند. و نقشه های پشه لکن را هم زنی. این هم ممکن است که ارتش ایران پس از نضوئین ضربه به هیولی هیولی لجه را هم تپه لکن احتیاجات ضروری مردم عادی مشغول شود. تصور کنید نیروگاه های برق تهران، ذخایر آب و تصفیه خانه ها همه در همان ابتدای حملات هوایی نابود میشوند. در این صورت نیروی دفاعی نظم عملی می شوند. در سبت به همین خاطر است که در حملات احتمالی، مراکز غیرنظامی در ابتدا هدف اصلی جنگ احتمالی قرار خواهند گرفت.

د. م. س.: پس از ورود نیروهای جنگی ایالات متحده به بغداد بسیاری از عراقی ها به آمریکا به عنوان ناجی آن ها از سیطره رژیم صدام حسین خوش آمد گفتند. آیا چنین صحنه هایی هم در تهران قابل تصور است؟

مسرت: من آن را قابل تصور نمی دانم. به یقین می توان گفت که اکثریت قابل توجهی از ایرانی ها در صورت جنگ از رژیم فعلی حمایت خواهند کرد. حتا منتقدان به دولت هم در صورت تجاوز به کشور همین کار را خواهند کرد.

د. م. س.: چگونه به این نتیجه می رسید؟

مسرت: می توان در این مورد به گذشته مراجعه کرد. پس از حمله صدام حسین به ایران در سال 1980 دنیا بر این باور بود که ارتش ایران به خاطر انقلاب اسلامی که دو سال قبل از آن روی داده بود، در وضعیت روحی تخریب شده ای به سبب می بود. تعهد زبانی از ارتش ایران نیز از هواخواهان سلطنت در دوره شاهی بوده و از زمین مخوفان جمهوری اسلامی محسوب می شدند. علی رغم این مسئله ارتش از تمامیت ارضی کشور دفاع نمود و توانست حمله عراقی ها را که توسط ایالات متحده با پول و اسلحه وافر پشتیبانی می شد، دفع کند. در صورت حمله آمریکا و اسرائیل هم طور دیگری نخواهد شد.

د. م. س.: جمهوری فدرال آلمان چه نقشی در نزاع ایران ایفا می کند؟

مسرت: متاسفانه آلمان نقش ظاهرا یک تماشاچی بی عمل و خنثی را بازی می کند. ولی در عمل دولت آلمان همواره از سیاست دولت بوش که در پی ایجاد محاصره های شدیدتر اقتصادی علیه ایران میباشدند، حمایت کرده و در راه همراهی و بعضا اجرای آن ها نیز حتی مبتکر شده است چنین سیاستی ناشی از سادگی گرائی بیش از حد بهرلین است. در واقع

امر می بایستی مغزهای باهوش و متفکری همچون فرانک والتر اشتاین مایر از مدت ها قبل درک کرده باشند که طرح مشکل اتمی ایران از سوی آمریکا همانند طرح سلاح های کشتار جمعی عراق، یک بهانه جنگی بیش نیست.

د.م.س.: چه عواقبی می تواند به نظر شما حمله نظامی علیه ایران در منطقه داشته باشد؟

مسرت: منطقه به یک دوره بی ثباتی دراز مدت وارد می شود. ایران با یک دولت مرکزی دیگر موجودیت نخواهد داشت، آنطور که ما در افغانستان یا عراق مشاهده میکنیم شاید با هرج و مرج بیشتر.

د.م.س.: ، به نظر شما ایالات متحده آمریکا از کدام یک بیش تر نفع می برد، از یک منطقه باثبات یا بی ثبات؟

مسرت: می خواهم باز به نمونه عراق بپردازم. از بی ثباتی در عراق در حال حاضر بطور عمده مجمع نظامی صنعتی، شرکت های بزرگ ساختمانی و صنایع نفت ایالات متحده از طریق قراردادهای کلان پس از ورود ارتش آمریکا به عراق ذینفع هستند. بسیاری از محافظه کاران آمریکایی متوجه هستند که هزینه های جنگی و کوردهای ارتش آمریکا از صنایع پونجی های تنگاتنگی دارند. این سیاست غیرمسئولانه و حتا جنایتکارانه برای منافع تعدادی قلیل به نظر من با منافع دراز مدت مردم آمریکا و دنیای غرب به شدت در تناقض قرار دارد. هزینه های جنگی نه تنها به طور مستقیم اکثریت مردم آمریکا را تحت فشار قرار می دهد، بلکه با افت ارزش دلار به کشورهای هم مانند چین، ژاپن و اتحادیه اروپا، که مقیدار متعصبی دلار در اختیار دارند، فشار وارد می کند. این واقعیت را هم باید در نظر داشته که چنین تسعیم بی تعوازی که به نفع سببه ای از شهرهای بزرگ آمریکایی در پونجی های دولت سببه دراز مدت پدیدار خواهد شد. غیر غم این واقعیت نو محافظه کاران مسلط در واشنگتن این باور را دارند که با بی ثبات سازی و فروریزی کشور چندملیتی ایران منافع مجمع صنعتی نظامی آمریکا از راه چرخه مطمئن تبدیل دلار های نفتی ایران و کهل منطقه به تسلیحات صعدراتی، برای سال ها و دهه های آتی تضمین خواهد شد.

د.م.س.: چه نقشی اسرائیل در این نزاع دارد؟

مسرت: از همه استراتژیک اسرائیل مطمئن ترین سنگر آمریکها در منطقه است. البته این وابستگی متقابل می باشد. آمریکا برای اسرائیل یک متحد مهم و حیاتی است که بدون کمک های مستمر نظامی و معالی آن پیرجها نخواهد ماند. از سوی دیگر آمریکا به اسرائیل به عنوان یک سنگر استراتژیک در خاورمیانه و نزدیک برای پیشبرد تلاش های سلطه جویانه خود در منطقه نیاز دارد. با تغییر حکومت در سایر کشورهای متحد آمریکا (مانند ایران پس از سقوط رژیم شاه) امکان تبدیل هم پیمانان به دشمن وجود دارد، در اسرائیل اما هر نوع دولتی همیشه هم پیمان آمریکا خواهد ماند.

د.م.س.: عملکرد ایرانیان را چطور ارزیابی می کنید؟

مسرت: ایران با یک بی واقعینتیه از میهن عمل بی وقوه گسسته تهری برخوردار است از آنچه می رود در عمل پیداست. قبل از هر چیز، علت آن است که دولت فعلی ایران هم مانند قدرت های غربی، اهداف کوتاه مدتی را پیگیری

می‌کند، زیرا در پیش گرفتن راستای امنیت هسته‌ای به هیچ عنوان قهول نیست چشمت انهدازی بهای صلح بگشاید. این مسیر به طرز مکرر همان نقشه‌های جنگی و ثبات شکن نومحافظه کاران آمریکائی است. از نظرم من دکتورین ایجود امنیت از راه سلاح های پیش تر، بی‌هنگر طهرز فکر خطر نهکی است. دکتورین امنیت بر پایه تسلیحات و قهرت هر چه بیشتر با توجه به تجربه تاریخی دو جنگ جهانی اعتبار خود را از دست داده است.

د.م.س.: هم اینک در افغانستان 3000 سرباز ارتش جمهوری فدرال مستقرند. آیا جنگ احتمالی با ایران تاثیر بی وضعی امنیتی آن ها خواهد گذارد؟

مسرت: به قطع و یقین! برآورد من این است که در تمام منطقه هرج و مرج دامنگیر می‌شود. تمام کشورهای هم پیمان آمریکا که سربازانی در افغانستان یا عراق مستقر کرده اند، هم با شرایط تازه ای مواجه خواهند شد و با تلفات جانی بیش تری باید حساب کنند. آلمان هم همینطور.

د.م.س.: در جنگ رسانه ای علیه ایران از سوی غرب همواره موضوع وضعیت حقوق بشر در ایران طرح می‌شود، به ویژه اصطلاح تازه "فاشیسم اسلامی" که در رسانه های آلمانی هم از آن به راحتی استفاده می‌شود. در این مورد چه می‌توان گفت؟

مسرت: این به نظر من تحولی جنجال برانگیز و بیانگر سقوط اخلاقی این رسانه هست. قیل اشعات و ریبلی اسپت که این مفهوم محصولی از محافل فکری آمریکایی-اسرائیلی است، و همان طور که به درستی متوجه شده اید، محبت هست که به حوظه مطبوعاتی آلمان هم سرایت کرده است. نشریاتی مانند دی سایت، اشپگل و یا روزنامه فرانکفورتر آگماینه هم از انتشار این اصطلاح بی معنا دریغی ندارند. با این اصطلاح این فکر در ذهن تلقین می‌شود که دولت هوی اسلامی، بالقوه دولت های فاشیستی هستند.

د.م.س.: به نظرتان این تلقین با چه هدفی صورت می‌گیرد؟

مسرت: به این قصد که با مراجعه به احساسات ضد فاشیستی مکرر سعی های غربی را به "واکنش" و عمل دعوت نمایند، چرا که بر علیه فاشیسم کاربرد کلیه وسایل و امکانات، از جمله ابزار نظامی، هم مجاز است. سلسله جنبان این به اصطلاح فاشیسم جدید هم در تهران است. بسیاری که این مفهوم "فاشیسم اسلامی" را وارد و به آن جلا می‌بخشند، کم و بیش به "راه حل نهایی مسئله ایران" را تبلیغ میکنند.. موضوع "راه حل نهایی" البته بی بهره مطرح نمی‌شود، ولی طنین امواج آن آشکارا قابل شنیدن است. اعجاب برانگیز آن است که این اصوات مستقیما از سوی اسرائیل هم شنیده می‌شوند، که معنای آن بی کم و کاست عملی رنگ جلوه دادن فاشیسم هیلبری از طریق قیلس آن با ایران است. به این وسیله بهای توجه جنایات تهره ای علیه کشورهای اسلامی از قریب هولوکاست سهء استفاده می‌شود. در حقیقه یهودیان، به ویژه در ایران به خاطر اعتقادشان آسیبی ندیده اند. صدها سال یهودیان در جوامع اسلامی مشرق زمین در صلح و آرامش با یکدیگر زندگی کرده اند، چیزی که اروپا ادعای آن را نمی‌تواند داشته باشد.

د.م.س.: آیا می توان در آینده جنگ جهانی را انتظار داشت که از سوی غربی ها تحت لوای "ضدفاشیستی" انجام گیرند؟

مسرت: خاطر نشان می کنم که در حمله ناتو به یوگسلاوی در سال 1999 چنین استدلالاتی به چشم می خورد. پیش از همه یوشکا فیشر، وزیر خارجه، و رودلف شارپینگ، وزیر دفاع اسبق آلمان در این خط کار می کردند. این هم نشانه ای است از سقوط بی دغدغه اخلاق در سیاست و مطبوعات. لذا بعید نیست که در آینده هم از ما شاهد تکرار چنین فحاجی باشیم.. با این وجود نبایستی خیلی هم بدبین باشیم، برای تغییر، هیچ وقت دیر نیست!

د.م.س.: چطور می تواند چنین چیزی صورت بگیرد؟

مسرت: از این طریق که در چارچوب امکانات، صداقت و حقیقت گرایی را در سیاست به کار بندیم.

د.م.س.: اصولا مواضع حقوق بشری آمریکا تا چه حد قابل باورند با توجه به پیوندهای نزدیک و اشنگتن با سلاطین پر زرق و برق و دور از دموکراسی پادشاهی های اسلامی مثل عربستان سعودی؟

مسرت: فکر می کنم که این تناقض نیازی به تفسیر ندارد. مطمئنا می توان به سیر تحول دموکراسی در ایران انتقاد کرد. همبیطهور در معهود وضعیتی که در زمینه حقوق بشر در آن هیچ موجودی نیست سحرکت جهل نیست. لهذا در قیاس با عربستان سعودی ایران کشور دموکراتیکی است. همین طور جایز نیست که تحولات دو دهه اخیر را که در آن اصلاح طلبان در ایران دست آوردهایی داشته اند، دور از نظر داشت. در هر صورت معن ایران را آنچه که غرب به سوی می کشد استنادی نمی بینم

روزنامه نظامی: هارلن اولمن مشاور سابق دولت آمریکا در مصاحبه ای با روزنامه نظامی آلمان با این نقطه نظر که ایران مجهز به سلاح اتمی در منطقه ایجاد ثبات می کند، و نه بی ثباتی، موجب غافلگیری می باشد. او گفته خود را با ایجاد تعادل در برابر سلاح های هسته ای اسرائیل و رجعت احتمالی همسایگان ایران به سوی غرب مستدل ساخت. به نظر او در صورت مواجهه تسلیحاتی با ایران خطر وقوع انقلاب های شیعه، به خصوص در بحرین، عراق و لبنان وجود دارد.

مسرت: بخشی از آن مورد تأیید من است. بدیهی است که کاربرد سلاح، بی ثباتی زیادی با خود به منطقه خواهد آورد و قطعا امکان شورش شیعیان در سراسر منطقه، وجود دارد و بعید هم نیست با غافلگیری های فراوانی همراه باشد. با این وجود معتقد نیستم که ایران مسلح به تهم در دراز مدت قهر به ایجاد ثبات بشود. این معنی توانهد، همچنان ظهور که اکنون توضیح دادم، تنها راه چاره ای کوتاه مدت و در عین حال بسیار خطرناک باشد. علاوه بر این، انتخاب این راه ممکن است به این منجر شود که دولت های دیگر منطقه هم ضرورت تجهیز به سلاح هسته ای را بپسندند. این روند منجر به برپایی یک مسابقه تسلیحاتی اتمی در منطقه خواهد شد، که به نوبه خود به نظر گهرقن بسویاری از

نزاع های حل نشده، مانند آتشی زیر خاکستر عمل می کند. برخلاف این نظر، من از ایجاد یک منطقه خلی از سلاح های کشتار جمعی دفاع می کنم.

د.م.س.: شما منافع آلمان را در این منطقه چگونه تعریف می کنید؟

مسرت: قبل از همه موضوع بر سر انرژی است. منافع آلمان و اروپا در تضمین تضمین شیعه انرژی است که اساسا در 40 تا 50 سال آتی هنوز با سوخت های فسیلی صورت خواهد گرفت. چرا در این مورد ناپستی به پلعه همکاری و تجارت آزاد عمل کرد، همانند آنچه امروز بین اروپا و روسیه عمل میگردد؟ در این جا دولت های اروپایی و قبل از همه آلمان باید خودآگاهی به خرج داده و حساب خود را از منافع منطقه جویانه ایالات متحده جدا کرده و سیاستی مبتنی بر همکاری و تجارت عادلانه با دولت های منطقه خاور میانه و نزدیک به کار ببرند.

د.م.س.: آلمان در سال های گذشته نام بسیار برجسته ای در دنیای اسلام داشته است. اما بخصوص بدلیل شرکت در اشغال افغانستان باعث شد اعتبار خود را در منطقه به شدت کاهش دهد. آیا شما برای عادی سازی این رابطه شلسی می بینید؟

مسرت: صد البته. یک مثال مشخص می زنم: زمانی که گرهارد شرودر صدر اعظم سابق آلمان شرکت در جنگ عراق را به روشنی رد کرد و هم زمان ژاک شیراک رئیس جمهور فرانسه هم از مشارکت خود در این جنگ سرباز زد، هر دوی آن ها در جهان اسلام یکشنبه به معتمدترین افراد اروپا تبدیل شدند! ژبیراک چند هفته بعد، از الجزیره، یعنی سرزمینی که هنوز با استعمارگر سابق خود فرانسه مشگل دارد، دیدار کرد. او در آن جا به خطرات سیاستش بر ضد جنگ عراق از سوی چیزی قریب یک میلیون الجزیره ای با استقبال بی سابقه و گرمی مواجه شد. همین طور که می بینید، برای استقرار چنین روابطی هزگز دیر نیست.

د.م.س.: آیا شما امکان یک توافق صلح آمیز در گیری ایران را می بینید؟

مسرت: بله، یک امکان دشوار، ولی عملی میتواند این باشد که جنبشی جدیدی برای دورنمای امنیت و همکاریهای مشترک منطقه ای در خاورمیانه و نزدیک راه اندازی شود. این کاری است دشوار، زیرا نیروهایی که همانند آمریکا و اسرائیل با سیاست خود در ایجاد نفوذ و تضعیف نیروهای مخالف خود، برای نمونه در فلسطین نقاق بین حماس و جنبش آزادیبخش فلسطین یا در خاورمیانه دامن زدن به دشمنی بین شیعه و سنی، دست دارند، کلیه اهرم های قدرت سیاسی خود را از دست خواهند داد و از این رو تلاش می ورزند از تحقق چنین چشم اندازهایی جلوگیری کنند. این مکهمون امعا واقعی است، زیرا تعهد دولت های منطقه، همینطور هم مردم اسرائیل، برقراری دیالوگ و نزدیکی گام به گام به یک طرح "امنیت مشترک" و همکاری اقتصادی در میان مهت و درازمدت استقاده خواهند برد. در سال 1943 هم این احتمال بسیار غیر قابل تصور می نمود، که ده سال بعد از آن آلمان و فرانسه یعنی دو "دشمن ارثی" صلح کنند و جنگ های بین دولت های اروپایی منتفی شود و جامعه اروپا طی یک دوره سی ساله پس از آن به اقتصاد درخشانی که تمام مردم اروپا بطور نسبی در آن ذینفع اند، دست یابد.

د.م.س.: آقای پرفسور مسرت، با سپاس فراوان از شما برای این گفتگو.